



سینما و فقه

پدیدآورنده (ها) : مومنی، علی اکبر

میان رشته ای :: نشریه صباح :: بهار ۱۳۸۱ - شماره ۲ و ۳

صفحات : از ۱۳۵ تا ۱۳۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1671175>

دانلود شده توسط : مصطفی رستمی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی روش تفسیر قرآن به عقل در تفسیر تسنیم
- یوزف فان اس: شکوفایی علم کلام در اسلام؛ بررسی از نگین یآوری
- سینما (احکام فقهی سینما)
- تلاشی نو در تدوین مبانی، منابع، و روش های تفسیر قرآن (۲)
- مبانی فقهی کاربری تصویر در سینما
- نسبت فقه و سیاست از منظر امام خمینی (ره) و غزالی
- ناگفته هایی شنیدنی از نهضت اسلامی تونس: پایان دیکتاتور
- بررسی تطبیقی گفتمان های اخوان المسلمین، حماس و جهاد اسلامی

سینما و فقه

علی اکبر مؤمنی

مراتب فقهی مخاطبان سینما

انتخاب، ش ۷۹۷، محمد داغستانی

این نوشته، به روابط زن و مرد در فیلم های سینمایی و تئاتر و بیان راه کارهای فقه در کمک به «باورپذیری مخاطبان سینما» می پردازد. نویسنده در آغاز به نقل و تأیید برخی توجیه های نامتعارف درباره آیات مربوط به حجاب و واژه های کلیدی آن می پردازد. سپس، حرمت برخی محرمات قطعی را که در فیلم ها رخ می دهد، با استناد به قاعدهی «ضرورت» برای کارشناسان و با قاعدهی «نفی سبیل» برای همهی تماشاگران، استننا می کند. نویسنده، تولید فیلم های

جذاب داخلی را با نشان دادن آزادانه تر روابط زن و مرد بر اساس فیلم نامه، برای مقاومت در برابر ولایت فرهنگی کفار، ضروری می شمارد و با تطبیق قاعدهی نفی سبیل بر آن، مجاز اعلام می کند.

■ درنگی در برداشت های فقهی

پیش از ورود به بحث، باید گفت: اگر استنباط احکام از منابع دینی، ضابطه مند نباشد، به پیدایش مذاهب گوناگون، قرائت های ناهمگون، پلورالیسم و... خواهد انجامید. بنابراین، برای پیش گیری از آشفتگی در فهم دین، افزون بر خبره بودن در علوم مربوط به دین، برداشت احکام باید با احتیاط لازم صورت گیرد. در قسمتی از نوشتهی یاد شده چنین آمده است:

... ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها. (۳۳۴)

زینت را که در زیر دامن نمان می شود، آشکار نسازند، جز آن که در حال راه رفتن و خم و راست شدن به خودی خود، ظاهر شود.

زینتی که در زیر دامن یا ازار^(۳۳۰) خانم ها نمان می شود و امکان آشکار شدن آن وجود دارد، ساق پاهاست که عنوان عورت ندارد تا کشف آن حرام باشد، ولی چون زینت خانم ها به شمار می رود، باید در برابر بیگانه پوشیده بماند. از این رو، اگر در حال راه رفتن و خم و راست شدن، بخشی از ساق پا عریان شود، اشکالی نخواهد داشت.

■ نکته ها

۱. آن گونه که بیشتر مفسران گفته اند، مراد از زینت در این آیهی شریفه، مواضع زینت است. علامه طباطبایی (رحمهم الله) می فرماید: ابداء به معنای آشکار نمودن است و مقصود از زینتهنّ (در آیهی لایبیدن زینتهن...) مواضع زینت است؛ زیرا آشکار نمودن خود زینت به تنهایی مثل دست بند و انگو حرام نیست. پس منظور از نمایان ساختن زینت، ظاهر کردن مواضع و جایگاه زینت است.^(۳۳۱)
 ۲. در توضیح «الا ما ظهر منها»، مکشوف شدن بخشی از ساق پا هنگام راه رفتن، بی اشکال بیان شده است. در صورتی که بنا بر آن چه گفتیم، روشن می شود که ساق پا از مواضع زینت است نه خود زینت. پس این بخش از آیه، زینت های آشکار مانند دست بند، انگشتر و انگو را استثنا کرده است نه ساق پا را. شاهد بر این مطلب، روایتی است که در آن، ابوبصیر دربارهی تفسیر «الا ما ظهر منها» می پرسد و امام (علیه السلام) پاسخ می دهد که: عبارت است از انگشتر و دست بند.^(۳۳۲)
 ۳. ساق پای زن به عنوان زینت، معرفی و گفته شده است: «ساق پاها... عنوان عورت ندارد تا کشف آن حرام باشد.» حال آن که در روایات متعددی تصریح شده است که «تمام بدن زن، عورت است».^(۳۳۸)
- در بخش دیگری از مقاله آمده است:

با پوشیدن خمار و شل که تا روی دامن بیاید، طبیعی است که دست ها تا نیمه‌ی ساعد از زیر آن خارج خواهد ماند و فقط قسمت بالای ساعد که گوشه‌ی آن است مانند ساق پا، مستور می شود... باز براساس استثنائی که دارد اگر در حال حرکت دادن، دست ها قدری بالا برود و تا نیمه‌ی ساعد عریان شود، اشکالی نخواهد داشت.

همان گونه که بیان شد، مقصود از استثنای آیهی «الا ما ظهر منها»، زینت های آشکار است نه بخشی از ساق و ساعد تا گفته شود اگر آشکار شود، مانعی ندارد. از گفته های اهل لغت و مفسران چنین برمی آید که «خمار»، پارچه ای است که سر و سینه و گردن را می پوشاند و به آن «مقنعه» هم می گویند.^(۳۳۹) بنابراین، بخش های دیگر بدن مانند دست ها را با آن نمی توان پوشاند و باید با لباس دیگری پوشانده شود. پس نمی توان گفت اگر بخشی از دست ها تا نیمه‌ی ساعد هم بیرون ماند، مانعی ندارد.

در جای دیگری از مقاله با استناد به آیهی ۶ و ۵۹ سورهی احزاب، حکم حجاب دربارهی سه گروه از زنان (همسران و دختران پیامبر (صلی الله علیه وآله) و بانوان شوهدار) تشریفاتی معرفی شده است:

لفظ آیهی کریمه صراحت دارد که این لباس جنبه‌ی تشریفاتی دارد، نه حجاب شرعی. پس مانعی نخواهد داشت که در تابستان از تور نازک یا حریر و ابریشم انتخاب شود و روی شانه ها قرار گیرد تا ایجاد گرما نکند ...

این مطلب به ظاهر از جملهی «ذلك ادنی ان يعرفن فلا يؤذین» در آیهی ۵۹ سورهی احزاب برداشت شده است. اگر این آیه در تشریفاتی بودن حکم حجاب، صراحت داشته باشد، باید به قدری روشن و شفاف بیان شده باشد که دیگران نیز چنین برداشت کنند. این در حالی است که با پژوهش در تفسیرهای معتبر درمی یابیم هیچ يك از مفسران، این مطلب را از آیه برداشت نکرده اند. آن چه بیشتر مورد توجه بوده، این است که این بخش از آیه درصدد بیان فلسفه‌ی حجاب است نه تشریفاتی بودن آن.

۳۳۰. شلوار.

۳۳۱. المیزان، محمدحسین طباطبایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۰، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳۳۲. کافی، ج ۵، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵.

۳۳۸. مجارالانوار، ج ۱۰۳، صص ۲۵۰ و ۲۵۲؛ کافی، ج ۵، صص ۵۱۱، ۵۳۴ و ۵۳۵؛ خلاف، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۹۷.

۳۳۹. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، مؤسسه‌ی چاپ و نشر وزارت ارشاد، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۱، ص ۲، ج ۲، ص ۱۲۱.

استاد شهید مطهری در این زمینه می نویسد:

استفاده از روپوش های بزرگ که بر سر می افکنده اند، دو جور بوده است؛ يك نوع صرفاً جنبه‌ی تشریفاتی و اسمی داشته است، هم چنان که در عصر حاضر بعضی از بانوان چادری را می بینیم که چادر داشتن آن‌ها صرفاً جنبه‌ی تشریفاتی دارد. با چادر هیچ جای بدن خود را نمی پوشانند و آن را رها می کنند. چگونگی استفاده‌ی آن‌ها از چادر نشان می دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از این که مورد بهره برداری چشم‌ها فرار گیرند، ابا و امتناعی ندارند. نوع دیگر برعکس بوده و هست؛ زن چنان با مراقبت، جامه های خود را به خود می گیرد که نشان می دهد اهل عفاف و حفاظ است. خود به خود دورباشی ایجاد می کند و ناپاک‌دلان را مأیوس می سازد و تعلیلی که در ذیل جمله‌ی «در آیه» آمده است، مؤید همین معنی است. (۳۴۰)

استاد شهید در جای دیگر از بحث می گوید:

مطلبی که از آیه استفاده می شود و يك حقیقت جاودانی است، این است که زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علامت عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود و در این وقت است که بیماردلانی که دنبال شکار می گردند، از آن‌ها مأیوس می گردند. (۳۴۱)

نویسنده با دست یازیدن به قاعده‌ی «ضرورت»، روابط زن و مرد و بازنگری در این روابط را برای شناخت جامعه، از حفظ جان يك انسان مهم تر می داند. وی بر این باور است همان گونه که «اکل میت» در حالت اضطرار، جایز، بلکه واجب خواهد بود، روابط زن و مرد و بازنگری در این روابط نیز با مصلحتی اهم، همان حکم را خواهد داشت. ناگفته پیداست که منظور از روابط، روابط خارج از محدوده‌ی شرع است و گرنه در روابط مطابق با احکام شرع، بحثی وجود ندارد.

حال باید از نویسنده‌ی محترم پرسید: آیا برای شناخت جامعه و باورپذیری مخاطبان سینما، هیچ راهی جز روابط آزادانه‌ی زن و مرد وجود ندارد که آن را از اهم ضرورت‌ها شمرده‌اید؟ مرجع تشخیص این ضرورت چه کسی است؟ آیا شارع باید آن را تشخیص دهد و مصداق‌های آن را بیان کند یا بنای عقلا و عرف جامعه را می پذیرد؟

در هر صورت، بسیار بعید است که به این سادگی، دست اندرکاران سینما را بتوان مضطر دانست و حکم حلیت روابط زن و مرد را صادر کرد. دیگر آن که قاعده‌ی ضرورت که از آیه‌ی ۳ سوره‌ی مائده برداشت می شود، شرایطی دارد و در هر کوی و برزن و به محض برخورد با هر مانعی، نمی توان حکم به اضطرار کرد و این قاعده را جاری ساخت.

افزون بر آن، ایشان با استناد به قاعده‌ی «نفی سبیل» که بر اساس آن، برتری، عزت و ولایت کافران بر مؤمنان نفی می شود، چنین می نویسد:

تولیت فرهنگی کافر که موجب خدشه در اندیشه‌ی ملی و دینی مسلمانان می شود، به طریق اولی حرمت بیشتری دارد و در حال حاضر که کفار از طریق رسانه‌های ارتباطی چون ماهواره به انتقال اندیشه‌ها و فرآورده‌های خود می پردازند، به هر میزان بتوان با این تولیت فرهنگی مقابله کرد، واجب و ضروری است.

سپس برای مبارزه با این ولایت فرهنگی، دو راه کار پیشنهاد می دهد:

۱. باگزینش فیلم‌های سینمای اندیشه‌بدون سانسور، می توان به جریان آزاد و مستقل سینما پیوست و با این ولایت فرهنگی مخالفت کرد.
۲. با تولید فیلم‌های جذاب داخلی که روابط زن و مرد را براساس فیلم نامه، آزادانه تر نشان دهد، می توان هر چه بیشتر در برابر ولایت فرهنگی کفار مقاومت کرد.

هرچند نادرستی این گفته‌ها آشکارتر از آن است که به پاسخ، نیازی داشته باشد، ولی یادآوری چند نکته خالی از لطف نیست: